

روزانه

امام محمد باقر (ع)
بر باری لباس عالم
است، پس تو خود
را از آن عریان
مدار.
اصول کافی، ج ۸، ص ۵۵



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۹

۱ شعبان ۱۴۴۲ | ۱۵ مارس ۲۰۲۱ | سال سی و چهارم | شماره ۹۴۸۹ | ویژه نامه ۱۷

www.qudsonline.ir

شوق ثبت نام یا زیارت؟

آستان قدس رضوی برای برگزاری مراسم معنوی حرم مطهر با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی تدابیر تازه ای اندیشیده است

نوروز امام رضایی با ۵۳ ایستگاه پوشش تصویری



سبک زندگی اسلامی بر آیند بینش، ارزش و کنش انقلابی است

حجت الاسلام والمسلمین مهاجرنیا در یازدهمین نشست کرسی های آزاداندیشی دوره ای با عنوان «بنیادها و آرمان های انقلاب اسلامی» گفت: ویژگی برجسته انقلاب اسلامی این است که در تحول بنیادین خود، علاوه بر ...



نگاهی به تاریخ حضور و نگهداری از کبوتران در حرم مطهر

قربون کبوترای حرمت...

محمد حسین نیکبخت: همه جای حرم می توان آن ها را دید، همه جا، مردم دوستشان دارند؛ انگار اگر نباشند چیزی کم است. برایشان نذر می کنند، اصلا موقوفه دارند برای خودشان. نمای گنبد طلا، با طواف مکرر آن ها به دورش، چقدر دیدنی است. بچه که بودم مادرم دستم را می گرفت و می رفتیم حرم، می آمدیم داخل صحن عتیق، آن وقت از یکی از حجره های صحن ظرفی گندم می خریدیم و میزبان کبوترهایی می شدیم که بر فراز صحن چرخ می زدند و با ناز می نشستند روی زمین و افتخار می دادند از گندمهایی که زائران با عشق برایشان می ریختند، چند دانه ای بخوردند، پادم هست وقتی گندمها را می ریختم چشمانم انتظار می کشید تا کبوتری بیاید و دانه ای از آن را برچیند.

کبوترها محبوب زائران هستند؛ کبوترهای حرم امام رضا(ع)، با وجودی که بسیار دوستشان می داریم، کمتر درباره آن ها شنیده ایم و می دانیم. خاصیت تاریخ هم این است که درباره همین ناشنیده ها و ناگفته ها، سخن بسیار دارد. امروز و در این مجال می خواهم برایتان از تاریخ حضور کبوتران در حرم رضوی بگویم؛ امیدوارم مهر کلام بر جانان بنشیند و شادمانتان کند.

کبوترها قرن هاست میهمان اماکن مقدس هستند. حتی در متون حدیثی ما، روایت هایی درباره کبوترهای مسجدالحرام دینوری در «اخبار الطوال» از حرام بودن کشتن کبوترهای حرم امن الهی سخن به میان آورده است. در حرم های مقدس امامان و امامزادگان(ع) از دیرباز کبوتر وجود داشت. شاید دلیل اصلی این تجمع، امنیتی بود که برای آن ها فراهم می شد؛ عبادت و نزدیکی به خدا، وجود انسان را سرشار از آرامش و محبت می کند و تجلی این احساس، پاس داشتن حرمت همه موجودات است. بنابراین، کبوترها خودشان به حرم امام رضا(ع) آمدند؛ یعنی کسی آن ها را نیاورد. ظاهراً در قرن نهم تا یازدهم، تعداد آن ها در حرم آن قدر افزایش یافت که متولیان به فکر مکان مشخصی برای نگهداری از کبوترها افتادند. این گونه بود که در سال ۹۸۷ش با دستور شاه عباس یکم و با هزینه ۵۱ تومان و ۶ هزار ۲۶۸ دینار، کبوترخانه ای را ظاهرآ به سبک کبوترخانه های اصفهان، در «باغ پایین پای مبارک» یعنی جایی که امروزه صحن نو (آزادی) قرار دارد، ساختند. خوشبختانه سند این اقدام هنوز وجود دارد و دانستن این رقم دقیق به

همین دلیل است. به این ترتیب، کبوترهای حرم صاحب جا و مکان شدند و احتمالاً از همین زمان به بعد هم نذوراتی در این محل به آنان اختصاص می یافت که عموماً شامل ریختن گندم و تأمین آب برای کبوترها می شد.

خانهدکانی های کبوتران حضرتی این رویه تا اوایل دوره قاجار و زمانی که فتحعلی شاه تصمیم گرفت در محل باغ پایین پای مبارک، صحن جدیدی را بسازد، ادامه پیدا کرد. در این زمان کبوترخانه حرم تخریب شد و برای نگهداری کبوتران مکان دیگری را در نظر گرفتند؛ همان مکانی که در دوره مشروطه با عنوان «کبوترخانه حضرتی» می شد.

در نوشته های برخی مورخان معرفی می شد. با این حال، ظاهراً تخریب کبوترخانه موجب سکنا گزیدن کبوترهای حرم در تمام شهر مشهد شد. رنه دالمانی، سیاح فرانسوی که در اواخر قرن نوزدهم گذرش به مشهد افتاده است، در این باره می نویسد: «دیوار شهر نیز قدیمی و مجهز به منافذ تیراندازی و کنگره هایی است که اکنون لانه و جایگاه کبوتران بی شمار حرم است. این کبوتران مادام که در محیط شهر باشند محترم و مصون از تعرض هستند؛ زیرا



است.



گفت و گو با سعید نجاتی
فیلمساز و دارنده سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر
ساخت اثر دینی روح بلند می خواهد
نه تکنیک محض!

حاج آقای گلاب پاش...

از همان روزهای انقلاب که هیاهوی آن، مردم را به خیابان ها می آورد تا روزهای مهم در سال های بعد در تهران و مشهد، همه یک نفر را به خاطر دارند. در تشییع جنازه شیخ احمد کافی، ورود امام خمینی از پاریس به تهران و زمان بازگشت نخستین گروه آزادگان به مشهد مردم او را دیده اند. او در راهپیمایی های هرساله در مشهد و روزهای عزاداری محرم و دهه آخر صفر در جلو بست طوسی حاضر بود تا عزاداران را همراهی کند. نمازهای جمعه هر هفته ...

همین حوالی

هر خوبی جای یک بدی را تنگ می کند

رقیه توسلی: صدایشان می ریزد پایین. فحش و فضااحت و عصبانیتی که با هم پینگ پنگ می کنند. چند روزی است قصه شان همین است. طبقه ما از دست طبقه شان، سردرد گرفته. جای خانه تکانی دارند همدیگر را شلاق می زنند انگار. همسایه فوفانی مان، خانم و آقای عجیبی اند که روی دیوارهای چندسالتی خیلی حساب باز کرده اند و نمی دانند ماها در خانه های یکدیگر زندگی می کنیم و مغل آسایش و سبب آرامش همیم. تجربه ام می گوید جز مدارا، انتخابی ندارم پس شیشه شوی را برمی دارم و راه می افتم توی خانه. محلول درخشان کننده را می پاشم و می سایم و آینه به آینه پیش می روم تا می رسم به آینه منگوله دار ماسوله. اسپری نکرده ام هنوز رویش که صدایی می شنوم از پشت در. صدایی یکریز. چشمنی را که می دهم پایش، مادری می بینم دارد با دختر کوچکش که نشسته روی پله ها اختلاط می کند. می شناسمشان. تازگی ها می آیند برای نظافت آپارتمان.

دخترک: یعنی دو تا پله دیگه، میریم خونه؟
مادر: بعللله، چاکر شما هم هستم.
- برا من چی می خری؟
+ میخوام نون شیرین، سرخ کنم دیگه، رفتیم خمیر خریدیم از نونوایی. یادت نیست؟
- آخ جون... پس تندتند چرا نمی شوری بریم؟
+ چشم! الان میذارم دنده سه، گاز میدم.
صدای خنده قشنگشان می پیچد لای دادوهار همسایه.
- من کمک کنم تندتر تموم شه؟
+ نه قربون قدت. دیگه آخراشه. برا من یه سوره بخونی، اینجا تمومه دیگه.
- باشه میخونم. مثل اون دفعه که زمین خوردی فوت کردم طرفت، خوب شدی.
به مادر زحمتکش عاشق نگاه می کنم که می لنگد. به کودکی که وسط قبل و قال ساختمان، بلند بلند سوره حمد می خواند. چشم برمی دارم از راه پله و کمی آمونیاک پیس پیس می کنم روی آینه ماسوله تا بی لک بشود. آینه ای که فروشنده گیلائی اش می گفت: مردمدار است و با همه خوب تا می کنی! مراقفه، قطع و وصل می شود اما تمامی ندارد. بی تردید من هم باید حمد بخوانم و فوت کنم سمت طبقه بالا. کسی توی سرم می گوید جای رفت و روب خانه، بدک نیست گاهی هم دستی به سروروی مغز و زبانمان بکشیم که نوازش هزار برابر است. که بی جهت نیست گفته اند هر خوبی جای یک بدی را تنگ می کند.

عکس: مسعود نوبختی

مجازآباد

به یاد نمی آورم پایگاه مجازی منتسب به سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی ویدئویی از صحبت های رهبر معظم انقلاب با خانواده شهید سلیمانی پس از شهادت ایشان را بازنشر کرده است. در بخشی از این ویدئو، رهبر انقلاب خطاب به همسر شهید سلیمانی می فرمایند: «ما شهید زیاد داریم اما شهیدی که به دست خبیث ترین انسان های عالم یعنی خود آمریکایی ها به شهادت برسد و آن ها افتخار کنند که او را توانستند شهید کنند، چنین شهیدی غیر از حاج قاسم من کس دیگری را یادم نمی آید.»

برای او نگرانم جندی پیش پیمان معادی در گفت و گو با یک شبکه فرانسوی گفته بود: «مسلمانان بزرگ ترین اقلیت مذهبی در فرانسه هستند اما رئیس جمهور فرانسه با نادانی، دین اسلام را دینی بحران زده در جهان خطاب می کند. اما به نظر من هویتی که نتواند پذیرای هویت های دیگر باشد، بحران زده است.» شهاب اسفندیاری، فعال رسانه ای در واکنش به اظهارات معادی در توییتر نوشته است: «برای او نگرانم. از خط قرمزهایی عبور کرده که نابخشودنی است. تابوهایی را شکسته که خشم باورمندان را برخواهد انگیخت. هجوم بی امان لشکریان مجازی به او دور از انتظار نیست. بزرگان طایفه حتما او را تحت فشار می گذارند که جبران کند. هنرمند و نقد غرب؟ نقد استعمار؟ هیهات.»

چرا عضویت در حزب رستاخیز حرام بود؟

کانال تلگرامی مرکز اسناد انقلاب اسلامی نوشت: در پی تشکیل حزب رستاخیز، امام خمینی با صدور پیامی در اسفندماه ۱۳۵۳، عضویت در این حزب را حرام اعلام کردند. در بخشی از پیام امام آمده بود: «نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و مکم به استیصال مسلمین است و مخالفت با آن از روشن ترین موارد نهی از منکر است. و چون این نغمه تازه که به دستور کارشناسان یغماگر برای اغفال ملت از مسائل اساسی، از حلقوم شاه برخاسته تا کشور را بیش از پیش خفقان زده کند و راه را برای مسائلی که در نظر دارند، باز نمایند، لذا لازم است حسب وظیفه تذکراتی بر همه باشد که ملت مسلمان، تا فرصت از دست نرفته با مقاومت پیش از پیش و همه جانبه، جلو این نقشه های خطرناک را بگیرند.»





ابتدال هنر؛ چالش انسانی در جهانی زیاده حیوانی

جوهر هنر، اعتراض است. هنر، زبان زیبای نارضایتی است. وقتی جهانی مطلوب در ذهن داری و جهانی دیگر در پیش چشم، آن قدر که طلب در تو می‌چوند، زبان به اعتراض می‌گشایی تا فاصله موجود تا مطلوب را به حداقل برسانی. هنرمند نمی‌تواند نارضای نباشد؛ وقتی همه چیز همان چیزی هست که باید باشد هنر، هرچه هم زیبا و موزون و می‌خواهد جلدی چه چیزی را بر کند؟ هنر در رضایت می‌میرد.

چیزی که هنرمندی را از هنرمند دیگر و اثری را از اثر دیگر متمایز می‌کند، زیبایی نیست؛ زیبایی هم هرچه وابسته به جهانی است که مطلوب می‌شماریم. هرچه موقعیت مطلوب را نمایان‌تر و پذیرفتنی‌تر به من نشان دهند، هنرمندترند. چرا از اثری که همه ملاک‌های مقبول فراتر می‌رود بی‌دوش می‌کشد، لذت نمی‌برد؟ چون این که مینماید، نشانی از جهان مطلوب من ندارد یا چندان ندارد چه در تفاهان و چه در ایجابش. جهان مطلوبی که هرکدام از ما می‌شناسیم، بر اساس شناختی که از بد و خوب داریم شکل گرفته است. جهان مطلوب ما جهان خوب‌هاست، اما همین شناخت و به خوب کاملاً و مطلقاً از شناخت ما نسبت به دنیای ما بی‌دور است. انسان چیست؟ این که مینماید، نشانی از تفاهان و چه در غیرواش ندارد چیستی انسان، جایگاه او را در هستی رقم می‌زند و تعیین نمی‌کند که چه چیزی ارزشش خوب است و چه چیزی بد. حتی خدایی که می‌شناسیم، برای این انسان است که معنا پیدا می‌کند. مثلاً برای انسانی که در هستی قرار می‌گیرد، قرآن کوچکش را دراز و شروع کرد به خواندن، و تفاوتش با حیوان فقط در کیفیت این پاسخ است، خدای ایدان، به تنها لازم نیست که مزاجم است، پرسیدم: چه هنر، آیا می‌توان هنر را از انسانی که می‌شناسیم، از چیستی انسانی که «است» جدا

بیبیم؟ جهان مطلوب انسان مدرن، غایت انسان مطلوب در جهان مدرن است و هنر در تقیای کاستن از برج فاصله‌های اخلاقی‌ای که با جهان مطلوبش احساس می‌کند، اگر هنر امروز هر روز در سردرگمی بوی خوش فرتو می‌دهد، نه از ذات هنر، ذات سینما، ذات ادبیات و مانند این‌هاست و نه صرفاً از هیوط قلم‌آزمتز هنرمند؛ این سیر طبیعی هنری است که در مملکت ایران می‌بیند و می‌کوشد برج مخاطب خود در تحمل بلشتی جهان موجود را با تنوع تصویرهایش از خدایی که برای این حیوان مطلوب می‌آغازد، بکاهد.

یازگشت از این مسیر، جز با نگاه دوباره به انسان و ساختن انسان آن‌گونه که هست، آن‌گونه که امروز کارش در «حسن تقویم» ساخته است، مسیر است؟ آیا چالش‌های اخلاقی‌ای که با رشدی فرایند از هرچه بده به روی انسان بی‌پناه امروز سر بر می‌آورد، با چند توصیه اخلاقی یا محدودیت‌های دسترسی و دسته‌بندی سنی آثار هنری برطرف می‌شوند؟ این‌ها پرسش‌های مهمی است که پاسخ به آن‌ها، آینده ما، آینده هنر ما و آینده تمدن ما را رقم می‌زند.

خبر

انتشار مجموعه سخنرانی‌های حجت‌الاسلام‌والمسلمین ربیععی در قالب کتاب



حجت‌الاسلام‌والمسلمین‌علی‌اکبر مومنی، رئیس گروه تولید محتوی معاونت فرهنگی و تبلیعی دفتر تبلیغات اسلامی از انتشار مطالب سخنرانی‌های حجت‌الاسلام‌والمسلمین ربیععی، در قالب کتاب خبر داد.
به گزارش فارس و به نقل از پایگاه خبری دفتر تبلیغات اسلامی، مومنی به ویژگی‌های محتوای سخنرانی‌های این خطیب توانا اشاره کرد و گفت: از دلایل انتشار مطالب سخنرانی ایشان می‌توان به اتقان، کاربردی بودن، منظم و دسته‌بندی شده بودن مطالب ایشان اشاره کرد.
به همین دلیل، مطالب ایشان برای تمام اقشار قایل استفاده است.وی بر ضرورت ثبت و انتشار مطالب مورد نیاز جامعه اشاره و تصریح کرد: مطالب ثاب و مورد نیاز برای استفاده عموم مردم و به خصوص مبلغان محترم سراسر کشور باید ماندگار شوند و یکی از راه‌های ثبت و ماندگاری مطالب هستند، منسوخند، کمبود و منتشر شدن آن است. وی مستند بودن محتوای تبلیعی را مهم برشمرد و افزود: بسیاری از کتاب‌های سخنرانی حجت‌الاسلام‌والمسلمین ربیععی که منتشر شده، متأسفانه مستند نیستند، اما در انتشار این کتاب، مجموعه سخنرانی‌های ایشان توسط گروه تولید محتوا مستندسازی و ویرایش و سپس از نظرات حجت‌الاسلام‌ربیععی، منتشر شده‌اند.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین مومنی خاطرنشان کرد: نخستین مجموعه سخنرانی‌های دکتر ربیععی با عنوان رشد و تعالی از منظر قرآن و روایت آماده چاپ است و به زودی منتشر خواهد شد.

سپهر اسعد، اندیشمند و مبلغ اسلام در آمریکا که لاین گفت، حضور حوزه در عرصه‌های مختلف تبلیعی بسیار بر اهمیت است و رانندگی حرکت جدید «بهدرگاری در عرصه بین‌الملل» اهمیتی است که باید از فضای سنتی و تاریخ محتد به سمت توسعه و فضای معاری حرکت کرد. به گزارش قدس و به نقل از ایکنا، اسعد در نخستین رویداد تبلیعی فرهنگیان بیان کرد: ما بخاطر جمعی از طلب‌گیرانی انعطافی در قم بر کار گذاشت، اظهار کرد: در عتقاد ما امروز رگموزی در فضای آموزش، تحقیق، رسانهای و تبلیغ حوزه وجود دارد. هر زمان حوزه با رکود روبرو شود موفق نبوده و هر زمان حرکت کرد به قله‌ها رسید. ما شاهدانه تاریخ حوزه می‌بینیم از تحولات در کتب، آموزش و روش‌های افاق، برکت زبانی در حوزه پیدا آمده است. ورود حوزه به فضای مجازی به عنوان فرصت نگاه کنیم.

اصل کلام یک از ما هستیم که تجربه دینی را از سرنگرداننده باشیم. باید که به جواب مشخص این پرسش رسیدیم این گزاره در ذهنمان شکل می‌گیرد پس چرا در پای این تجربه باید به در برنگز اینک تولید فیلم داشته باشیم؟ چرا که تولید محتوا برای یک جشنواره موضوعی یکی از اولویت‌هاست، خدا را شکر این تلاش‌ها نتیجه داد و با همکاری که صورت گرفت مقرر شد بتوانیم از ۱۰ فیلم برای تولید حمایت کنیم.

◆ نگاهی ویژه دارد که می‌گوید عرصه فیلم کوتاه آنچنان که باید با موضوعات عینی‌تر ما پیوند نخورده است. البته انتقادهای صریح‌تری نیز در خصوص سیاه‌مانی وجود دارد. نظر خود چیست؟

◆ جناب نجاتی، مهم‌ترین دلیل که سراغ شما آمدم تجربه فیلم‌سازی‌تان به‌خصوص در عرصه فیلم کوتاه است. علاوه بر اینکه شما اسامال بئبر جشنواره فیلم کوتاه رضوی نیز بودید؛ تا به نسبت از زیبایی‌تان را از جشنواره‌های بیروس که محوریتش سیره حضرت(رضاع) است.

همیشه مهم‌ترین فغدغام در مورد جشنواره‌های موضوعی این بود که چرا جشنواره‌های مذهبی، همیشه جشنواره‌های مذهبی هستند، به عبارتی همیشه ترکیب هیئت داوران آن‌ها ضعیف است، پول کمتری به آن‌ها داده می‌شود یا جایزه‌شان به نسبت جاهای دیگر پایین است. این موضوع برای کشوری که پرآگاہ یکی از (رضاع) را در خود جای داده است، کمی عجیب است. به همین خاطر وقتی جشنواره‌رضوی آغاز

حرم حضرت معصومه در آن‌ها وجود داشته باشد، زن و شوهر با تحسین نگاه کردند و تبریک گفتند. حسن فریبی در آن جمع به من دست داد. بالاخره سال‌ها برای رسیدن به این حس تلاش کردیم و بایا هم جشن بزرگی برای اعلام این موفقیت به قافلیم گرفته بود. یخ‌خوردی زرم و یاد حرف‌های مامان ریحانه افتادم که با اشک شو می‌گفت: «ممن جان! الهی شکر مشهد قبول شدی. حالا هربار پیام دیدنت، اول میرم پیش شوفا آقا، زیارت و موفقیتت رو از خودت میخوانم…»

خودم هم بدم نمی‌آمد. با آنکه زیاد اهل زیارت و هیبت و… نبودم اما نمازخوان که بودم، مشهد و خاطرات زیارتش را هم دوست داشتم. آن خب غربت است دیگر. ترس و نگرانی‌های خاص خودش را دارد. هنوز چندساعت گذشته‌ام اما دم عجیب هوای خانواده‌ا را کرده، مدتی که گذشت، جوان قرائش را بست و با بیرمرد مشغول خوش‌وشش شد و میوه‌هایش را به ما تعارف کرد. زیاد بود. وقت از باغ پدزی‌اش آورده. میان صحبت‌هایش فهمیدم او هم دانشجووی پزشکی است.

بالاخره ۷ صبح شد و ساعات ششوش و انتظار به مه‌میر رسید. قصد خداحافظی داشتم. یادم آمد چوست است تا دانشگاه یا این همسفر همراه شوم. گفت: «داداش تا فردوسی هم‌مسیریم، آره؟ کمی مرود نگاهم کرد و با خنده گفت: «نا‌سه‌الله! الهی زیارت بعد دانشگاه. اصلاً قصد حرم رفتن نداشتم. ولی اردات‌های مامان ریحانه به امام(رضاع) ملم داد تا همراه او بروم… وقت هم که داشتم.

دو ساعت بعد از حرم بیرون آمدم. با همسفر آشنایی که حالا می‌دانستم دانشجووی تخصص است و استاد فیزیک پزشکی، یکی از دروس مورد ترم ما! دستم یک بسته نبات تبریک حرم هم بود که استاد از نذورات حرم گرفته بود. حالا نه از آن نگرانی و دلنگنی چندساعت قبل خبری بود، نه از آن غرور بچگانه. راه افتادم سمت ایستگاه قطار شهری.

نمای نزدیک



پوشش هنر آرزوها» یکی از حرکت‌های مردمی جدیدی است که پشت آن یک فرد یا نهادی خاص نیست. کمپین بزرگی از مردم خبری که می‌خواهند آرزوهای کودکان با بیماری‌های خاص و یا کم‌هستمان و نیازمند را برآورده کنند. به گزارش فارس و به نقل از پایگاه خبری دفتر تبلیغات حرم کافلی است.
محمدعرفان شربتی از نخستین کودکانی است که حاجتش مستجاب شد. حاجت‌های زیبایی زیارت امام(رضاع) آن هم با معلولیتی که کار را برای او و دو نذر کرده بودیم و دو نذر کردن، مستجاب شد. تمام لحظات عاشقانه این زیارت در محنت و مسافرهٔ ثبت شد و دل بسیاری از بینندگان شکیه سوم را هم هوایی چیه، ختم قرآن هم برداشته بود. اصلاً آن روزها هم‌هاش به قرآن و ذکر و آرمایش گذشت. خدا را شکر بچه هم ناراضی نداشت. آن شب هوا زیاد سرد بود. بعد از آن‌ها همان‌جا تو سخن جامع رضوی نشستیم. شام مختصری آورده بودیم و خوردیم. رزنب هم شیرش را خورد و آرام خوابید. تا نوزد قرآن که تمام شد، جوشن شروع شد. مرضی با هم «خلصنا من اللذات ارباب» به قنمی به قدر نفی دستش می‌کرد و آخر شد هر کف در حرم شریف چه انداخت. عجیب هر دو به اثر دعا معتقد بودیم. قرآن را سر می‌گرفتیم. مرضی قبل از من خوانسند بود.سایه قرآن بالای سر بچگان را هم بلند آخ. که چقدر این ایمانش را دوست دارم. انگار همان شب، آینده روشن دخترکم هم روی حرم امام(رضاع) تضمین شد.

وقتی انسان در زندگی (امعه) تکناش می‌کند از خود می‌پرسد آیا ما نمی‌توانیم از رفتارهای لئمه و رفتارهای نامتواکشان کوچک‌است. اصلاً سینما عددی نیست که مثلاً بتواند عروج در زندگی عادی برای تولید فیلم بهره بگیریم؟ به نظر من می‌توان چنین کاری را انجام داد بدون اینکه اثر سفارشی به نظر بیاید. اگر تکنیک درست باشد و درست قدم برداشته شود می‌تواند فیلمی تولید شود که به معنای واقعی کلمه آن قدر تأثیرگذار است که مثل کلام (امعه) در عمق روح بینندگان آن نفوذ کند.

من همیشه گفته‌ام اگر سینمای جوان نبود آیا فلان کارگردان که کل فیلمسازان ماست، الان وجود داشت؟ قطعاً نبودند، چرا که در انجمن سینمای جوان دوره دوازدهم؛ طبیعی است؛ باشد ما باید پس از انقلاب بهترین فیلم‌های مذهبی را ساختیم، یعنی همه آدم حسابی‌هایی که به جنگ رفتند، زمانی که برکنشدند و شروع به فیلم‌سازی کردند باید بهترین اتفاقات می‌افتاد، ولی چرا این اتفاق نیفتاد؟ به خاطر اینکه سینما به راحتی به دست ما نمی‌آید. مضاف بر اینکه این‌ها آموزش دادنی نیز نیست، یعنی نمی‌توانیم بگوییم ما سینمای دینی آموزش بدهیم، این هم از آن ادعاهایی است که خیلی به آن اعتقادی ندارم. در وهله نخست اگر به چیزی اعتقاد داشته و تکنیکش از در زمینه سینما خوب بلد باشید این به سادگی به دست ما می‌آید. با سفارش و زور و این‌ها نیز نمی‌شود این کار را کرد، من معتقد می‌چاهم ما همه با هم (امع) ارادت دارند، اما نکته بعدی این است فیلم‌های این طیفی را نیز نمی‌توان گفت باید فقط حرم امام(رضاع) حرم حضرت معصومه در آن‌ها وجود داشته باشد.

درختی به میاحت معنوی اساساً سخت است. به عبارتی قالب میاحت معنوی به حدی وسیع است که سینما برایش کوچک‌است. اصلاً سینما عددی نیست که مثلاً بتواند عروج یک نفر را نشان دهد. این یک مشکلی است که نمی‌شود برای آن کار کرد. بخت بعدی نیز این است دوستان ما در مدیریت‌های دولتی نگران تولید هستند. من می‌گویم ۵۰۰ فیلم تولید کنیم، حالا این ببن دوتایش هم خوب در بیاید. مگر چه ایرادی دارد آزمون و خطا اتفاق بیفتد. می‌گویند نه همه این‌ها را جمع کنیم و بباییم دو فیلم خوب تولید کنیم. چطور کسی می‌تواند چنین چیزی را تضمین کند؟ کسی که سینما خواننده و حتی تهیه‌کننده فیلم‌های فروش نیز باشد باز هم اگر کسی به او بگوید به نظر این فیلم تو فروش می‌شود، جواب می‌دهد دقیقاً این‌ها سینما چه منظور می‌شود. مدیران دولتی ما که بعضی از آن‌ها هیئت تولید خواننده‌اند فیلم‌ها را روشن معکوس استفاده می‌کنند، با انتقاد شروع می‌شوند (تسما فکر می‌کنید سیاه‌مانی است) ولی در پایان منوجه می‌شود که ای چقدر در مورد فیلم اشتباه می‌کردم. متأسفانه بعکس است، اینجا کار بخواهید فیلم (یا موضوع امام(رضاع)) بسازید باید حتماً حرم داشته باشید. من معتقدم آنچه از دل برآید به دل نشیند، یعنی اگر تکنیک را خوب تحول گرفته باشید و آمارش دستت باشد، شما فیلمتان هر آنچه در نهاد ماست را نمایش خواهید داد. این موضوع قابلیت تبدیل شدن به فیلم را دارد! اگر به ما بدهند این فیلم را بسازیم، فیلمی خواهیم ساخت که همه به ما خواهند خندید. اما شما «مسیر سبزه دارپوت

با ببینید! کاراکتر سیاه‌پوستی فیلم همین کار را می‌کند. پس چرا ما نمی‌توانیم با این داشته‌ها به این سمت حرکت کنیم؟ یک بحث دشواری کار کردن این موضوعات است، چرا که می‌خواهیم در ذهن و چشم مخاطب فرو کنیم این از برکات فلان چیز است. در صورتی که باید آرزوهای زمان سینما این کار را کنید و در ناخودآگاه مخاطبیتان را بر پرورش دهید.

مرتضی اوستی می‌گفت فیلم‌ساز خوبی که ذات درستی شما نمی‌توانید مثل استاد فرشچیان با یک قلم و ذهن و روح بلند شاهکار با یک کدید بلکه در سینما بسازید گروهی هستید که هم متخصص و هم متعهد باشد.

شما برعکسش را نیز در نظر بگیرید. باید در نظر داشته باشیم فیلم فرایند دارد، ساختن کارگردان خوب نیز فرایند دارد. ما داریم کارگردان‌های خوبان را از دست می‌دهیم. کارگردان‌هایی که مذهبی هستند. شما آقای باشه آهنگر برای آن کار کرد. بخت بعدی نیز این است دوستان ما در مدیریت‌های دولتی نگران تولید هستند. من می‌گویم ۵۰۰ فیلم تولید کنیم، حالا این ببن دوتایش هم خوب در بیاید. مگر چه ایرادی دارد آزمون و خطا اتفاق بیفتد. می‌گویند نه همه این‌ها را جمع کنیم و بباییم دو فیلم خوب تولید کنیم. چطور کسی می‌تواند چنین چیزی را تضمین کند؟ کسی که سینما خواننده و حتی تهیه‌کننده فیلم‌های فروش نیز باشد باز هم اگر کسی به او بگوید به نظر این فیلم تو فروش می‌شود، جواب می‌دهد دقیقاً این‌ها سینما چه منظور می‌شود. مدیران دولتی ما که بعضی از آن‌ها هیئت تولید خواننده‌اند فیلم‌ها را روشن معکوس استفاده می‌کنند، با انتقاد شروع می‌شوند (تسما فکر می‌کنید سیاه‌مانی است) ولی در پایان منوجه می‌شود که ای چقدر در مورد فیلم اشتباه می‌کردم. متأسفانه بعکس است، اینجا کار بخواهید فیلم (یا موضوع امام(رضاع)) بسازید باید حتماً حرم داشته باشید. من معتقدم آنچه از دل برآید به دل نشیند، یعنی اگر تکنیک را خوب تحول گرفته باشید و آمارش دستت باشد، شما فیلمتان هر آنچه در نهاد ماست را نمایش خواهید داد. این موضوع قابلیت تبدیل شدن به فیلم را دارد! اگر به ما بدهند این فیلم را بسازیم، فیلمی خواهیم ساخت که همه به ما خواهند خندید. اما شما «مسیر سبزه دارپوت

با ببینید! کاراکتر سیاه‌پوستی فیلم همین یاد می‌آید. پس چرا ما نمی‌توانیم با این داشته‌ها به این سمت حرکت کنیم؟ یک بحث دشواری کار کردن این موضوعات است، چرا که می‌خواهیم در ذهن و چشم مخاطب فرو کنیم این از برکات فلان چیز است. در صورتی که باید آرزوهای زمان سینما این کار را کنید و در ناخودآگاه مخاطبیتان را بر پرورش دهید.

ساخت اثر دینی روح بلند می خواهد، نه تکنیک محض!

وقتی انسان در زندگی (امعه) تکناش می‌کند از خود می‌پرسد آیا ما نمی‌توانیم از رفتارهای لئمه و رفتارهای نامتواکشان کوچک‌است. اصلاً سینما عددی نیست که مثلاً بتواند عروج در زندگی عادی برای تولید فیلم بهره بگیریم؟ به نظر من می‌توان چنین کاری را انجام داد بدون اینکه اثر سفارشی به نظر بیاید. اگر تکنیک درست باشد و درست قدم برداشته شود می‌تواند فیلمی تولید شود که به معنای واقعی کلمه آن قدر تأثیرگذار است که مثل کلام (امعه) در عمق روح بینندگان آن نفوذ کند.

من همیشه گفته‌ام اگر سینمای جوان نبود آیا فلان کارگردان که کل فیلمسازان ماست، الان وجود داشت؟ قطعاً نبودند، چرا که در انجمن سینمای جوان دوره دوازدهم؛ طبیعی است؛ باشد ما باید پس از انقلاب بهترین فیلم‌های مذهبی را ساختیم، یعنی همه آدم حسابی‌هایی که به جنگ رفتند، زمانی که برکنشدند و شروع به فیلم‌سازی کردند باید بهترین اتفاقات می‌افتاد، ولی چرا این اتفاق نیفتاد؟ به خاطر اینکه سینما به راحتی به دست ما نمی‌آید. مضاف بر اینکه این‌ها آموزش دادنی نیز نیست، یعنی نمی‌توانیم بگوییم ما سینمای دینی آموزش بدهیم، این هم از آن ادعاهایی است که خیلی به آن اعتقادی ندارم. در وهله نخست اگر به چیزی اعتقاد داشته و تکنیکش از در زمینه سینما خوب بلد باشید این به سادگی به دست ما می‌آید. با سفارش و زور و این‌ها نیز نمی‌شود این کار را کرد، من معتقد می‌چاهم ما همه با هم (امع) ارادت دارند، اما نکته بعدی این است فیلم‌های این طیفی را نیز نمی‌توان گفت باید فقط حرم امام(رضاع) حرم حضرت معصومه در آن‌ها وجود داشته باشد.

درختی به میاحت معنوی اساساً سخت است. به عبارتی قالب میاحت معنوی به حدی وسیع است که سینما برایش کوچک‌است. اصلاً سینما عددی نیست که مثلاً بتواند عروج در زندگی عادی برای تولید فیلم بهره بگیریم؟ به نظر من می‌توان چنین کاری را انجام داد بدون اینکه اثر سفارشی به نظر بیاید. اگر تکنیک درست باشد و درست قدم برداشته شود می‌تواند فیلمی تولید شود که به معنای واقعی کلمه آن قدر تأثیرگذار است که مثل کلام (امعه) در عمق روح بینندگان آن نفوذ کند.

درختی به میاحت معنوی اساساً سخت است. به عبارتی قالب میاحت معنوی به حدی وسیع است که سینما برایش کوچک‌است. اصلاً سینما عددی نیست که مثلاً بتواند عروج در زندگی عادی برای تولید فیلم بهره بگیریم؟ به نظر من می‌توان چنین چیزی را تضمین کند؟ کسی که سینما خواننده و حتی تهیه‌کننده فیلم‌های فروش نیز باشد باز هم اگر کسی به او بگوید به نظر این فیلم تو فروش می‌شود، جواب می‌دهد دقیقاً این‌ها سینما چه منظور می‌شود. مدیران دولتی ما که بعضی از آن‌ها هیئت تولید خواننده‌اند فیلم‌ها را روشن معکوس استفاده می‌کنند، با انتقاد شروع می‌شوند (تسما فکر می‌کنید سیاه‌مانی است) ولی در پایان منوجه می‌شود که ای چقدر در مورد فیلم اشتباه می‌کردم. متأسفانه بعکس است، اینجا کار بخواهید فیلم (یا موضوع امام(رضاع)) بسازید باید حتماً حرم داشته باشید. من معتقدم آنچه از دل برآید به دل نشیند، یعنی اگر تکنیک را خوب تحول گرفته باشید و آمارش دستت باشد، شما فیلمتان هر آنچه در نهاد ماست را نمایش خواهید داد. این موضوع قابلیت تبدیل شدن به فیلم را دارد! اگر به ما بدهند این فیلم را بسازیم، فیلمی خواهیم ساخت که همه به ما خواهند خندید. اما شما «مسیر سبزه دارپوت

با ببینید! کاراکتر سیاه‌پوستی فیلم همین کار را می‌کند. پس چرا ما نمی‌توانیم با این داشته‌ها به این سمت حرکت کنیم؟ یک بحث دشواری کار کردن این موضوعات است، چرا که می‌خواهیم در ذهن و چشم مخاطب فرو کنیم این از برکات فلان چیز است. در صورتی که باید آرزوهای زمان سینما این کار را کنید و در ناخودآگاه مخاطبیتان را بر پرورش دهید.

مرتضی اوستی می‌گفت فیلم‌ساز خوبی که ذات درستی شما نمی‌توانید مثل استاد فرشچیان با یک قلم و ذهن و روح بلند شاهکار با یک کدید بلکه در سینما بسازید گروهی هستید که هم متخصص و هم متعهد باشد.



سبک زندگی اسلامی بر آیند بینش، ارزش و کنش انقلابی است
حجت‌الاسلام و المسلمین مهاجرنیا در یادداشت نشست کرسی‌های آزاداندیشی دوره‌ای با عنوان «بنیادها و آرمان‌های انقلاب اسلامی» گفت: ویژگی برجسته انقلاب اسلامی این است که در تحول بنیادین خود، علاوه بر صورت‌ها، ساختارها، نهادها و نواظرها، معنای زندگی را به مدت تغییر داد.

به گزارش قدس و به نقل از ایکنا، حجت‌الاسلام محسن مهاجرنیا، استاد و پژوهشگر علوم سیاسی در یادهمین نشست کرسی‌های آزاداندیشی دوره‌ای با عنوان «بنیادها و آرمان‌های انقلاب اسلامی» که به همت دانشگاه علوم و معجم هماغهگی بیرون امام و رهبری استان قم به صورت مجازی برگزار شد، گفت: اگر زندگی را مجموعه‌ای از زارناتی یافته از نظام باورها، ارزش‌ها، رفتارها و دیگر توان ایستادن و به دوش کشیدن آن ظرف کلاب را ندانست، مردم او می‌بینند که روی یکی از کلاب‌های سنگین دور رنگت نشسته و ظرف کلابش را کنارش گذاشته و هنوز دارد برای مردم خاطرم می‌سازد. کافی بود چند دقیقه کنارش بایستد تا ببینی چطور برای هرکسی یک جور حضورش را ماندگار می‌کند. به مردم تعارف می‌کند که برض بیان کلابش بیرون و ختای آن را نفکس بکنند. هرکسی که در معرض فطرات ریز کلاب قرار می‌گرفت انگار از دروازه‌های گذشته است. لیکنند به لبش می‌آمد. چه آدم‌هایی که در نمازهای جمعه حرم هر هفته چشم می‌شکینند که گویای معشاشان روزهای ایستادن را با ختای کلاب حاج‌آقای کلاب‌پاش برای لحظه‌ای عوض کنند. برهاتی متولد ۱۳۰۳ در سمنان است که روزگار سختی را گذرانده. سال ۳۷ در مشهد از امام(رضاع) شفا می‌گیرد و از شعیاری سخت نجات پیدا می‌کند. همین می‌شود بهانه‌ای برای ماندگاری در شهر امام(رضاع) و خدمت به زائرانش. خودش درباره این اتفاق می‌گوید: «یک روز آمدم مهمانسرای امام(رضاع) و دیدم آقا کوچی می‌گیرند و می‌گویند: کی امسال رب درست می‌کنده؟ همان جا گفتم من برای شما رب درست می‌کنم. فقط باید کمک داشته باشم. ۲۰۰ رو برای آن‌ها رب درست کردم. رو به امام(رضاع) می‌گفتم: آقا جان! از خانه تو بیرون زنم به وضعیت‌ها می‌تونم از پس آن بر بیایم، ولی استشش را بخواهید ترسناک زین هست. من می‌ترسم خدای بزرگ نشود بلکه نتیجه معکوس داشته باشد. قبلاً فکر می‌کردم فقط تکنیک کفایت می‌کند ولی به نظرم ساختن چنین چیزی روح بزرگ هم می‌خواهد. البته سینما نیز صرفاً متکی به نص نیست، یعنی مثلاً شما نمی‌توانید مثل استاد فرشچیان با یک قلم و ذهن و روح بلند شاهکار با یک کدید بلکه در سینما بسازید گروهی هستید که هم متخصص و هم متعهد باشد.

شما برعکسش را نیز در نظر بگیرید. باید در نظر داشته باشیم فیلم فرایند دارد، ساختن کارگردان خوب نیز فرایند دارد. ما داریم کارگردان‌های خوبان را از دست می‌دهیم. کارگردان‌هایی که مذهبی هستند. شما آقای باشه آهنگر برای آن کار کرد. بخت بعدی نیز این است دوستان ما در مدیریت‌های دولتی نگران تولید هستند. من می‌گویم ۵۰۰ فیلم تولید کنیم، حالا این ببن دوتایش هم خوب در بیاید. مگر چه ایرادی دارد آزمون و خطا اتفاق بیفتد. می‌گویند نه همه این‌ها را جمع کنیم و بباییم دو فیلم خوب تولید کنیم. چطور کسی می‌تواند چنین چیزی را تضمین کند؟ کسی که سینما خواننده و حتی تهیه‌کننده فیلم‌های فروش نیز باشد باز هم اگر کسی به او بگوید به نظر این فیلم تو فروش می‌شود، جواب می‌دهد دقیقاً این‌ها سینما چه منظور می‌شود. مدیران دولتی ما که بعضی از آن‌ها هیئت تولید خواننده‌اند فیلم‌ها را روشن معکوس استفاده می‌کنند، با انتقاد شروع می‌شوند (تسما فکر می‌کنید سیاه‌مانی است) ولی در پایان منوجه می‌شود که ای چقدر در مورد فیلم اشتباه می‌کردم. متأسفانه بعکس است، اینجا کار بخواهید فیلم (یا موضوع امام(رضاع)) بسازید باید حتماً حرم داشته باشید. من معتقدم آنچه از دل برآید به دل نشیند، یعنی اگر تکنیک را خوب تحول گرفته باشید و آمارش دستت باشد، شما فیلمتان هر آنچه در نهاد ماست را نمایش خواهید داد. این موضوع قابلیت تبدیل شدن به فیلم را دارد! اگر به ما بدهند این فیلم را بسازیم، فیلمی خواهیم ساخت که همه به ما خواهند خندید. اما شما «مسیر سبزه دارپوت

با ببینید! کاراکتر سیاه‌پوستی فیلم همین کار را می‌کند. پس چرا ما نمی‌توانیم با این داشته‌ها به این سمت حرکت کنیم؟ یک بحث دشواری کار کردن این موضوعات است، چرا که می‌خواهیم در ذهن و چشم مخاطب فرو کنیم این از برکات فلان چیز است. در صورتی که باید آرزوهای زمان سینما این کار را کنید و در ناخودآگاه مخاطبیتان را بر پرورش دهید.

مرتضی اوستی می‌گفت فیلم‌ساز خوبی که ذات درستی شما نمی‌توانید مثل استاد فرشچیان با یک قلم و ذهن و روح بلند شاهکار با یک کدید بلکه در سینما بسازید گروهی هستید که هم متخصص و هم متعهد باشد.

شما برعکسش را نیز در نظر بگیرید. باید در نظر داشته باشیم فیلم فرایند دارد، ساختن کارگردان خوب نیز فرایند دارد. ما داریم کارگردان‌های خوبان را از دست می‌دهیم. کارگردان‌هایی که مذهبی هستند. شما آقای باشه آهنگر برای آن کار کرد. بخت بعدی نیز این است دوستان ما در مدیریت‌های دولتی نگران تولید هستند. من می‌گویم ۵۰۰ فیلم تولید کنیم، حالا این ببن دوتایش هم خوب در بیاید. مگر چه ایرادی دارد آزمون و خطا اتفاق بیفتد. می‌گویند نه همه این‌ها را جمع کنیم و بباییم دو فیلم خوب تولید کنیم. چطور کسی می‌تواند چنین چیزی را تضمین کند؟ کسی که سینما خواننده و حتی تهیه‌کننده فیلم‌های فروش نیز باشد باز هم اگر کسی به او بگوید به نظر این فیلم تو فروش می‌شود، جواب می‌دهد دقیقاً این‌ها سینما چه منظور می‌شود. مدیران دولتی ما که بعضی از آن‌ها هیئت تولید خواننده‌اند فیلم‌ها را روشن معکوس استفاده می‌کنند، با انتقاد شروع می‌شوند (تسما فکر می‌کنید سیاه‌مانی است) ولی در پایان منوجه می‌شود که ای چقدر در مورد فیلم اشتباه می‌کردم. متأسفانه بعکس است، اینجا کار بخواهید فیلم (یا موضوع امام(رضاع)) بسازید باید حتماً حرم داشته باشید. من معتقدم آنچه از دل برآید به دل نشیند، یعنی اگر تکنیک را خوب تحول گرفته باشید و آمارش دستت باشد، شما فیلمتان هر آنچه در نهاد ماست را نمایش خواهید داد. این موضوع قابلیت تبدیل شدن به فیلم را دارد! اگر به ما بدهند این فیلم را بسازیم، فیلمی خواهیم ساخت که همه به ما خواهند خندید. اما شما «مسیر سبزه دارپوت

با ببینید! کاراکتر سیاه‌پوستی فیلم همین کار را می‌کند. پس چرا ما نمی‌توانیم با این داشته‌ها به این سمت حرکت کنیم؟ یک بحث دشواری کار کردن این موضوعات است، چرا که می‌خواهیم در ذهن و چشم مخاطب فرو کنیم این از برکات فلان چیز است. در صورتی که باید آرزوهای زمان سینما این کار را کنید و در ناخودآگاه مخاطبیتان را بر پرورش دهید.

مرتضی اوستی می‌گفت فیلم‌ساز خوبی که ذات درستی شما نمی‌توانید مثل استاد فرشچیان با یک قلم و ذهن و روح بلند شاهکار با یک کدید بلکه در سینما بسازید گروهی هستید که هم متخصص و هم متعهد باشد.

شما برعکسش را نیز در نظر بگیرید. باید در نظر داشته باشیم فیلم فرایند دارد، ساختن کارگردان خوب نیز فرایند دارد. ما داریم کارگردان‌های خوبان را از دست می‌دهیم. کارگردان‌هایی که مذهبی هستند. شما آقای باشه آهنگر برای آن کار کرد. بخت بعدی نیز این است دوستان ما در مدیریت‌های دولتی نگران تولید هستند. من می‌گویم ۵۰۰ فیلم تولید کنیم، حالا این ببن دوتایش هم خوب در بیاید. مگر چه ایرادی دارد آزمون و خطا اتفاق بیفتد. می‌گویند نه همه این‌ها را جمع کنیم و بباییم دو فیلم خوب تولید کنیم. چطور کسی می‌تواند چنین چیزی را تضمین کند؟ کسی که سینما خواننده و حتی تهیه‌کننده فیلم‌های فروش نیز باشد باز هم اگر کسی به او بگوید به نظر این فیلم تو فروش می‌شود، جواب می‌دهد دقیقاً این‌ها سینما چه منظور می‌شود. مدیران دولتی ما که بعضی از آن‌ها هیئت تولید خواننده‌اند فیلم‌ها را روشن معکوس استفاده می‌کنند، با انتقاد شروع می‌شوند (تسما فکر می‌کنید سیاه‌مانی است) ولی در پایان منوجه می‌شود که ای چقدر در مورد فیلم اشتباه می‌کردم. متأسفانه بعکس است، اینجا کار بخواهید فیلم (یا موضوع امام(رضاع)) بسازید باید حتماً حرم داشته باشید. من معتقدم آنچه از دل برآید به دل نشیند، یعنی اگر تکنیک را خوب تحول گرفته باشید و آمارش دستت باشد، شما فیلمتان هر آنچه در نهاد ماست را نمایش خواهید داد. این موضوع قابلیت تبدیل شدن به فیلم را دارد! اگر به ما بدهند این فیلم را بسازیم، فیلمی خواهیم ساخت که همه به ما خواهند خندید. اما شما «مسیر سبزه دارپوت

درنگ

حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهاجرنیا

سبک زندگی اسلامی بر آیند بینش، ارزش و کنش انقلابی است
حجت‌الاسلام و المسلمین مهاجرنیا در یادداشت نشست کرسی‌های آزاداندیشی دوره‌ای با عنوان «بنیادها و آرمان‌های انقلاب اسلامی» گفت: ویژگی برجسته انقلاب اسلامی این است که در تحول بنیادین خود، علاوه بر صورت‌ها، ساختارها، نهادها و نواظرها، معنای زندگی را به مدت تغییر داد.

به گزارش قدس و به نقل از ایکنا، حجت‌الاسلام محسن مهاجرنیا، استاد و پژوهشگر علوم سیاسی در یادهمین نشست کرسی‌های آزاداندیشی دوره‌ای با عنوان «بنیادها و آرمان‌های انقلاب اسلامی» که به همت دانشگاه علوم و معجم هماغهگی بیرون امام و رهبری استان قم به صورت مجازی برگزار شد، گفت: اگر زندگی را مجموعه‌ای از زارناتی یافته از نظام باورها، ارزش‌ها، رفتارها و دیگر توان ایستادن و به دوش کشیدن آن ظرف کلاب را ندانست، مردم او می‌بینند که روی یکی از کلاب‌های سنگین دور رنگت نشسته و ظرف کلابش را کنارش گذاشته و هنوز دارد برای مردم خاطرم می‌سازد. کافی بود چند دقیقه کنارش بایستد تا ببینی چطور برای هرکسی یک جور حضورش را ماندگار می‌کند. به مردم تعارف می‌کند که برض بیان کلابش بیرون و ختای آن را نفکس بکنند. هرکسی که در معرض فطرات ریز کلاب قرار می‌گرفت انگار از دروازه‌های گذشته است. لیکنند به لبش می‌آمد. چه آدم‌هایی که در نمازهای جمعه حرم هر هفته چشم می‌شکینند که گویای معشاشان روزهای ایستادن را با ختای کلاب حاج‌آقای کلاب‌پاش برای لحظه‌ای عوض کنند. برهاتی متولد ۱۳۰۳ در سمنان است که روزگار سختی را گذرانده. سال ۳۷ در مشهد از امام(رضاع) شفا می‌گیرد و از شعیاری سخت نجات پیدا می‌کند. همین می‌شود بهانه‌ای برای ماندگاری در شهر امام(رضاع) و خدمت به زائرانش. خودش درباره این اتفاق می‌گوید: «یک روز آمدم مهمانسرای امام(رضاع) و دیدم آقا کوچی می‌گیرند و می‌گویند: کی امسال رب درست می‌کنده؟ همان جا گفتم من برای شما رب درست می‌کنم. فقط باید کمک داشته باشم. ۲۰۰ رو برای آن‌ها رب درست کردم. رو به امام(رضاع) می‌گفتم: آقا جان! از خانه تو بیرون زنم به وضعیت‌ها می‌تونم از پس آن بر بیایم، ولی استشش را بخواهید ترسناک زین هست. من می‌ترسم خدای بزرگ نشود بلکه نتیجه معکوس داشته باشد. قبلاً فکر می‌کردم فقط تکنیک کفایت می‌کند ولی به نظرم ساختن چنین چیزی روح بزرگ هم می‌خواهد. البته سینما نیز صرفاً متکی به نص نیست، یعنی مثلاً شما نمی‌توانید مثل استاد فرشچیان با یک قلم و ذهن و روح بلند شاهکار با یک کدید بلکه در سینما بسازید گروهی هستید که هم متخصص و هم متعهد باشد.

شما برعکسش را نیز در نظر بگیرید. باید در نظر داشته باشیم فیلم فرایند دارد، ساختن کارگردان خوب نیز فرایند دارد. ما داریم کارگردان‌های خوبان را از دست می‌دهیم. کارگردان‌هایی که مذهبی هستند. شما آقای باشه آهنگر برای آن کار کرد. بخت بعدی نیز این است دوستان ما در مدیریت‌های دولتی نگران تولید هستند. من می‌گویم ۵۰۰ فیلم تولید کنیم، حالا این ببن دوتایش هم خوب در بیاید. مگر چه ایرادی دارد آزمون و خطا اتفاق بیفتد. می‌گویند نه همه این‌ها را جمع کنیم و بباییم دو فیلم خوب تولید کنیم. چطور کسی می‌تواند چنین چیزی را تضمین کند؟ کسی که سینما خواننده و حتی تهیه‌کننده فیلم‌های فروش نیز باشد باز هم اگر کسی به او بگوید به نظر این فیلم تو فروش می‌شود، جواب می‌دهد دقیقاً این‌ها سینما چه منظور می‌شود. مدیران دولتی ما که بعضی از آن‌ها هیئت تولید خواننده‌اند فیلم‌ها را روشن معکوس استفاده می‌کنند، با انتقاد شروع می‌شوند (تسما فکر می‌کنید سیاه‌مانی است) ولی در پایان منوجه می‌شود که ای چقدر در مورد فیلم اشتباه می‌کردم. متأسفانه بعکس است، اینجا کار بخواهید فیلم (یا موضوع امام(رضاع)) بسازید باید حتماً حرم داشته باشید. من معتقدم آنچه از دل برآید به دل نشیند، یعنی اگر تکنیک را خوب تحول گرفته باشید و آمارش دستت باشد، شما فیلمتان هر آنچه در نهاد ماست را نمایش خواهید داد. این موضوع قابلیت تبدیل شدن به فیلم را دارد! اگر به ما بدهند این فیلم را بسازیم، فیلمی خواهیم ساخت که همه به ما خواهند خندید. اما شما «مسیر سبزه دارپوت

با ببینید! کاراکتر سیاه‌پوستی فیلم همین کار را می‌کند. پس چرا ما نمی‌توانیم با این داشته‌ها به این سمت حرکت کنیم؟ یک بحث دشواری کار کردن این موضوعات است، چرا که می‌خواهیم در ذهن و چشم مخاطب فرو کنیم این از برکات فلان چیز است. در صورتی که باید آرزوهای زمان سینما این کار را کنید و در ناخودآگاه مخاطبیتان را بر پرورش دهید.

مرتضی اوستی می‌گفت فیلم‌ساز خوبی که ذات درستی شما نمی‌توانید مثل استاد فرشچیان با یک قلم و ذهن و روح بلند شاهکار با یک کدید بلکه در سینما بسازید گروهی هستید که هم متخصص و هم متعهد باشد.

شما برعکسش را نیز در نظر بگیرید. باید در نظر داشته باشیم فیلم فرایند دارد، ساختن کارگردان خوب نیز فرایند دارد. ما داریم کارگردان‌های خوبان را از دست می‌دهیم. کارگردان‌هایی که مذهبی هستند. شما آقای باشه آهنگر برای آن کار کرد. بخت بعدی نیز این است دوستان ما در مدیریت‌های دولتی نگران تولید هستند. من می‌گویم ۵۰۰ فیلم تولید کنیم، حالا این ببن دوتایش هم خوب در بیاید. مگر چه ایرادی دارد آزمون و خطا اتفاق بیفتد. می‌گویند نه همه این‌ها را جمع کنیم و بباییم دو فیلم خوب تولید کنیم. چطور کسی می‌تواند چنین چیزی را تضمین کند؟ کسی که سینما خواننده و حتی تهیه‌کننده فیلم‌های فروش نیز باشد باز هم اگر کسی به او بگوید به نظر این فیلم تو فروش می‌شود، جواب می‌دهد دقیقاً این‌ها سینما چه منظور می‌شود. مدیران دولتی ما که بعضی از آن‌ها هیئت تولید خواننده‌اند فیلم‌ها را روشن معکوس استفاده می‌کنند، با انتقاد شروع می‌شوند (تسما فکر می‌کنید سیاه‌مانی است) ولی در پایان منوجه می‌شود که ای چقدر در مورد فیلم اشتباه می‌کردم. متأسفانه بعکس است، اینجا کار بخواهید فیلم (یا موضوع امام(رضاع)) بسازید باید حتماً حرم داشته باشید. من معتقدم آنچه از دل برآید به دل نشیند، یعنی اگر تکنیک را خوب تحول گرفته باشید و آمارش دستت باشد، شما فیلمتان هر آنچه در نهاد ماست را نمایش خواهید داد. این موضوع قابلیت تبدیل شدن به فیلم را دارد! اگر به ما بدهند این فیلم را بسازیم، فیلمی خواهیم ساخت که همه به ما خواهند خندید. اما شما «مسیر سبزه دارپوت

با ببینید! کاراکتر سیاه‌پوستی فیلم همین کار را می‌کند. پس چرا ما نمی‌توانیم با این داشته‌ها به این سمت حرکت کنیم؟ یک بحث دشواری کار کردن این موضوعات است، چرا که می‌خواهیم در ذهن و چشم مخاطب فرو کنیم این از برکات فلان چیز است. در صورتی که باید آرزوهای زمان سینما این کار را کنید و در ناخودآگاه مخاطبیتان را بر پرورش دهید.

مرتضی اوستی می‌گفت فیلم‌ساز خوبی که ذات درستی شما نمی‌توانید مثل استاد فرشچیان با یک قلم

